

## یادداشت

## قتل رومینا به دست پدر «چرا»ها و «اگر»ها

**بخش اجتماعی**– قتل دختر ۱۳ ساله به دست پدر، «چرا»ها و «اگر»های زیادی را برای افکار عمومی ایجاد کرده. ازجمله این که «اگر خون پدر از سر غیرت به جوش آمده بود، چرا سراغ پسر نرفته و با داس به جان دختر خودش افتاد؟» پاسخ ساده به این پرسش این است: چون خود را مالک جان پسر نمی‌دانسته اما مالک جان دخترش می‌دانسته است. شبیه استدلال شبان سربال «سلطان و شبان» که «اگر خوردیم، مال خودمان را خوردیم»، اینجا هم «اگر کشتیم، دختر خودمان را کشتیم»

به گزارش ایسنا، مهرداد خدیر در عصر ایران نوشت: «قتل «رومینا» دختر نوجوان تالشی به دست پدر، «چرا»ها و «اگر»های زیادی را در جامعه برانگیخته و از جنبه‌های مختلف به این جنایت پرداخته می‌شود. رومینا اشرفی دختر ۱۳ ساله در استان گیلان به خاطر آن که به قصد ازدواج با مردی که دوست داشته خانه را ترک کرده بود، قربانی خشم پدر شد. پدر برای یافتن و بازگرداندن او از پلیس کمک می‌خواهد. او را در خانهٔ خواهر پسر می‌یابند و هر چند دختر هشدار می‌دهد که پدرم مرا خواهد کشت، تحویل خانواده می‌دهند و مرد خشمگین، شباهنگام با داس سراغ دختر می‌رود و او را به طرز فجیعی به قتل می‌رساند.

نخستین «چرا»یی که در ذهن شکل می‌گیرد این است که اگر خون غیرت مرد به جوش آمده بود، چرا سراغ پسر (بهمن) نرفت و او را نکشت؟ چون گناه اصلی را متوجه دخترش می‌دانست که از خانه گریخته بود؟ یا چون می‌دانست اگر پسر را بکشد، قصاص خواهد شد حال آن که مطابق مادهٔ ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی سابق و مادهٔ ۳۰۱ قانون فعلی مجازات اسلامی، پدر در جایگاه «ولی دم» در قتل فرزند قصاص نمی‌شود و به جای آن مشمول «دیه» و «تعزیر» می‌شود؟

«چرا»ی دوم این است که وقتی دختری از خانه می‌گریزد، از احساس نامنی حکایت می‌کند. چرا دوباره به همان خانهٔ ناامن و پدر تحویل شده‌است؟ چرا تحویل بهزیستی ندادند یا حداقل به خانوادهٔ مادر دختر؟

«چرا»ی سوم این است که اگر پسر، رومینا را فریب داده و زمینه را فراهم ساخته، چرا پس از یک بازداشت کوتاه‌مدت، آزاد شده‌است؟

«اگر»هایی هم مطرح شد. از جمله این که اگر اجازه می‌دادند اکران فیلم «خانهٔ پدری» ساختهٔ کیانوش عیاری ادامه یابد و دوباره از پرده پایین نمی‌کشیدند در این باره در جامعه بحث درمی‌گرفت اما با این اتهام که سیاه‌نمایی می‌کند یا تعصب خانوادگی را زیر سؤال می‌برد یا خشونت را ترویج می‌دهد، اجازهٔ ادامهٔ اکران ندادند و به همین خاطر کارگردان آن فیلم به طعنه گفته است: «قتل رومینا شایعه است. من باور نمی‌کنم. از این اتفاقات نمی‌افتد!»

در فیلم او «هلوک» در خانهٔ پدری به قتل می‌رسد و دفن می‌شود و در عالم واقع و پس از قریب ۱۰۰ سال و در روزگار ما رومینا در خانهٔ پدری به دست پدر به قتل می‌رسد.

مهم‌ترین پرسش و «چرا» اما همان است که چرا به نهاد اجتماعی و بهزیستی تحویل نشد و البته منتقدان احکام اعدام و «کودک‌همسری» هم به چالش کشیده می‌شوند که چرا در این فقره به دنبال اعدام پدر رومینا هستید و انتقاد می‌کنید که چرا حداکثر به ۱۰ سال حبس محکوم می‌شود؟ یا مگر نمی‌گفتید که ازدواج در سن پایین، کودک‌همسری است؟ چگونه حالا هوادار آن شده‌اید؟

داستان را اما از زاویهٔ دیگر هم می‌توان دید. پدر رومینا چرا دختر نوجوان را کشته؟ چون خود را «مالک» او می‌دانسته است! چرا سراغ بهمن نرفته؟ چون خود را مالک او نمی‌دانسته! ۳۷ سال از پخش سربال «فسانهٔ سلطان و شبان» می‌گذرد و هنوز برخی از دیالوگ‌های آن ورد زبان‌هاست و ضرب‌المثل شده است. ازجمله آنجا که سلطان با بازی زیبای مهدی هاشمی در جلد شبانی می‌رود که به جای او به قصر رفته بود تا مشمول تقدیری شود که در خواب دیده بود. روزی از سر گرسنگی سراغ مرغ‌های یک روستایی می‌رود و دلی از عزا درمی‌آورد. وقتی احساس دست‌نبرد به مال دیگری به او چنگ می‌زند خود را این گونه دل‌داری می‌دهد: «خوردیم که خوردیم، مال خودمان را خوردیم»، یعنی ما سلطان‌ایم و صاحب و مالک جان و مال رعیت و این مرغ‌ها هم در زمرهٔ اموال ماست و همان‌گونه که در قصر می‌خوردیم در جامعهٔ چوپان نیز می‌توانیم خورد!

رضا اشرفی هنوز حرفی زنده اما مهم‌ترین دفاع و توضیح پدر رومینا می‌تواند این باشد که «کشتیم که کشتیم. دختر خودمان را کشتیم!» نگاه مالکیتی به سلطان سربال اجازه می‌دهد جان و مال رعیت را ببستاند. نگاه مالکیتی هم به پدری مانند رضا اشرفی اجازه می‌دهد دختر خود را بکشد.

اتفاقا این کار حاصل جنون آنی نبوده چرا که به گواه مادر رومینا (خانم رعنا دشتی) بارها دخترشان را تهدید و حتی توصیه به خودکشی کرده بود. اگر بحث صرفا «غیرتی» بود علی‌القاعده باید سراغ پسر می‌رفت. اما نرفت. چرا؟ چون خود را مالک او نمی‌دانست و از پلیس کمک خواست. در حالی که مشخص بود کجاست. دختر خود را اما «مِلک طَلِیغ» خود می‌دانسته که دست خود را به خون او آغشته است.

این نکته البته نفی‌کنندهٔ چراها و اگرها نیست. اگر تحویل بهزیستی می‌نهاد واسط اجتماعی دیگری شده بود و اگر در مدرسه آموزش دهند و اگر مطابق نیازهای زمانه قوانینی تصویب شود که پدرها گمان نبرند مالک جان فرزندان خود هستند و بداندند فرزندان امانت‌های خداوند نزد آنان‌اند و هر کاری جز حمایت و کشف استعداد و پرورش آن و بسترسازی فرایند رشد و ازجمله آسیب وارد کردن به بدن آنان، خیانت در این امانت است، چه‌بسا این اتفاق رخ نمی‌داد و از این منظر و در چارچوب نظریهٔ مصلحت و مانند قانون کار یا مبارزه با مواد مخدر می‌توان قوانین تازه‌ای تصویب کرد تا به گمان در امان بودن یا مجازات کمتر، دست به جنایاتی این گونه نزنند و در مواردی از این دست از مراکز مشاوره، پلیس و نهادهای دیگر کمک بخواهند و تصور نکنند خودشان حق دارند مجازات کنند. چرا که زندگی خودشان را نیز نابود می‌کنند.»

**بخش اجتماعی**– مدیران دو مرکز مشاوره روان شناسی در مشهد به دلیل گستردگی جرایم هولناک در حالی با اتهام سنگین افساد فی الارض از سوی بازپرس پرونده روبه رو شدند که هنوز تحقیقات بیشتر دربارهٔ زوایای پنهان این ماجرا ادامه دارد.

به گزارش خراسان، این پرونده حساس از چندین ماه قبل، هنگامی روی میز دادستان مرکز خراسان رضوی گشوده شد که اجلر محرمانه از اغفال زنان جوان توسط مدیر ۴۰ ساله یکی از مراکز مشاوره روان شناسی در مشهد حکایت داشت. اهمیت این گزارش ها از منابع موثق، موجب شد قاضی غلامعلی صادقی (دادستان وقت مشهد) دستورات ویژه ای را برای پیگیری غیرمستقیم همراه با رصدهای اطلاعاتی این ماجرا صادر کند. به دنبال دستورات صریح دادستان وقت مرکز خراسان رضوی، تلاش های گسترده ای در این باره آغاز و مشخص شد مرد ۴۰ ساله عضو هیئت علمی یکی از دانشگاه های کشور است و با راه اندازی مرکز مشاوره روان شناسی ، زنان و دختران جوان دارای مشکلات احساسی ، خانوادگی یا اجتماعی را با توسل به ترفندهای خاص، فریب می دهد و آنان را طعمه نیات پلید و شیطانی خود می کند.

گزارش خراسان حاکی است در همین اثنا با انتصاب قاضی صادقی به سمت ریاست کل دادگستری خراسان رضوی، قاضی محمدحسین

درودی (دادستان مرکز خراسان رضوی) با مطالعه دقیق گزارش های مذکور، بی درنگ دستور گسترش دامنه تحقیقات را صادر کرد و از سربازان گمنام امام زمان (عج) اداره کل اطلاعات خراسان رضوی خواست رسیدگی به این پرونده حساس را در دستور کار قرار دهند.

این گونه بود که تلاش ها و رصدهای اطلاعاتی شبانه روزی نتیجه داد و

# زن میانسال: همسرم با رازی که در سینه دارم مرا تهدید می کند

**بخش اجتماعی**– زن ۵۰ ساله‌ای که به اتهام ضرب و جرح عمدی و توهین و فحاشی از همسرش شکایت کرده بود، درباره سرگذشت خود توضیحاتی ارائه داد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، این زن به کارشناس کلانتری گفت دیگر نمی‌توانم این وضعیت را تحمل کنم. همسرم نقطه ضعف مرا می‌داند و با سوءاستفاده از این موضوع، به آزار روحی ام می‌پردازد. او معتقد است باید رازی را که سال‌ها با آن زندگی کرده ام اکنون فاش کنم تا ...

زن ۵۰ ساله‌ای که به اتهام ضرب و جرح عمدی و توهین و فحاشی از همسرش شکایت کرده است، با بیان این که بعد از سال‌ها زندگی مشترک به آغوش مادر پیرم پناه برده ام، درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گفت: با آن که پدر و مادرم وضعیت مالی مناسبی داشتند و به تحصیل فرزندان خود اهمیت می‌دادند، من برخلاف دیگر خواهران و برادرانم علاقه‌ای به درس و مدرسه نداشتم، به همین دلیل هم در مقطع راهنمایی ترک تحصیل کردم و به خانه داری پرداختم تا این که پسرخاله‌ام به خواستگاری ام آمد. آن زمان ۲۲ بهار از عمرم گذشته بود که با سفره عقد نشستم.

علاقه عجیبی به «طاها» داشتم، چرا که او جوانی مسئولیت پذیر و باوقار بود، اما طوفان سرنوشت خیلی زود طومار این عشق و علاقه را درهم پیچید. هنوز دو ماه بیشتر از آغاز دوران نامزدی ما نمی‌گذشت که همسرم سوار بر موتورسیکلت با یک دستگاه خودروی سواری تصادف کرد. وقتی

## {اجتماعی}

ماجرای اغفال ۴۰ زن جوان توسط دو دکتر روان شناس

# افساد فی الارض برای «اختاپوس های تحصیل کرده»

مرد ۴۰ ساله در حالی دستگیر شد که بررسی ها نشان داد زن دیگری که او نیز تحصیلات عالیه دارد ، مرد ۴۰ ساله را در ارتکاب جرایم اتهامی



همراهی می کند. وقتی عمق هولناک این پرونده لو رفت و مشخص شد بیش از ۴۰ زن طبق اطلاعات به دست آمده ، طعمه اهداف شوم و شیطانی شده اند، حساسیت ماجرا چندین برابر شد. بنابراین گزارش، با صدور دستوری از سوی قاضی سید جواد حسینی (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) رسیدگی قضایی به بازپرس شعبه ۲۰۴ دادسرای عمومی

و انقلاب مشهد واگذار شد و بدین ترتیب قاضی دکتر حسن زرقانی با قدرت قانون دست به قلم برد و حکم به جلب متهمان داد. این گزارش حاکی است با دستگیری دو مرد و زن مذکور که عنوان «دکتر» نیز دارند، این پرونده وارد مرحله جدیدی شد. تحقیقات محرمانه که زیر نظر قاضی زرقانی و توسط سربازان بی ادعای امام زمان(عج) صورت می گرفت ابعاد جدیدی از این فاجعه را فاش کرد. بررسی ها بیانگر آن بود مرد ۴۰ ساله که چون اختاپوسی روی مراجعان مرکز مشاوره چنگ انداخته است، زنان دارای مشکلات روحی و تاملات روانی را با ادعاهای دروغین ارتباط با امام زمان (عج) به مکان های خاصی می کشاند و آن ها را طعمه هوسرانی های خود قرار می دهد. از سوی دیگر بررسی های دقیق و محرمانه درباره نقش خانم دکتر در این ماجرا نشان داد او نیز با راه اندازی مرکز مشاوره در مشهد و با استفاده از تخصص هیپنوتیزم، روح و روان زنان جوان را طی یک دقیقه به تسخیر خودش درمی آورد و آن چه به زنان دارای مشکل تلقین می کرد، آن ها نیز خواسته او را انجام می دادند. همچنین با افشای راز این مرکز مشاوره ای مشخص شد که او زنان زیادی را به مرکز مشاوره مرد ۴۰ ساله معرفی کرده است. بنابر گزارش خراسان، در اجرای دستور قاطع قاضی دکتر حسن زرقانی، دو مرکز مشاوره ای پلمب شدند و اسناد و مدارک موجود در این دفاتر برای بررسی های دقیق به

اداره کل اطلاعات خراسان رضوی انتقال یافت. از سوی دیگر با توجه به اهمیت و حساسیت ماجرا و لو رفتن زوایای پنهان دیگری از اتهامات هولناک این افراد، قاضی شعبه ۲۰۴ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد اتهام افساد فی‌الارض را به آنان تهمین کرد تا بررسی‌های گسترده ای درباره جرایم احتمالی دیگر آنان صورت گیرد.

# زن میانسال: همسرم با رازی که در سینه دارم مرا تهدید می کند

نشویم و همه آن‌ها را فرزندان خودمان بدانیم. زمانی که قرار بود به عقد موقت اتابک درببیام، به او گفتم نمی‌خواهم این راز را فاش کنم و پسرم بداند که فرزند من نیست! خلاصه، با این شرط زندگی مشترک ما ادامه یافت، من هیچ مشکلی با دختر و پسر همسرم نداشتم و آن‌ها را به خوبی تربیت کردم، اما پس از سال‌ها زندگی، اکنون همسرم به فردی عصبانی و پرخاشگر تبدیل شده است تا جایی که با هر بهانه واهی مرا کتک می‌زند. حتی زمانی که با همسایگان دیگر مجتمع مسکونی جر و بحث می‌کند باز هم به سراغ من می‌آید و پرخاشگری می‌کند. پسرم نیز وقتی این رفتارهای او را می‌بیند، در برابر پدرش می‌ایستد و از او می‌خواهد به من توهین نکند و مرا کتک نزند. اما اتابک که از طرفداری پسرم خشمگین می‌شود قصد دارد راز پرورشگاهی بودن او را فاش کند. همسرم می‌گوید او باید جایگاه خود را بداند و بفهمد که نباید انتظار زیادی از من داشته باشد. اتابک معتقد است باید از پررویی امید بکاهد تا بداند که او را برای رضای خدا بزرگ کرده است! اما من به دست و پایش می‌افتم و التماس می‌کنم تا زمان برگزاری آزمون سراسری چیزی به پسرم نگوید چرا که دچار ناراحتی‌های روحی و روانی می‌شود! به همین دلیل اتابک بعد از یک مشاجره لفظی و درگیری، من و فرزندم را از خانه بیرون انداخت و حالا دوباره اشک ریزان به دامان مادر پیرم پناه برده ام تا شاید ... شایان ذکر است، به دستور سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاد) بررسی کارشناسی این پرونده در دایره مددکاری اجتماعی آغاز شد.

# زن نظافتچی آمار منازل را به همدستان سارقش می‌داد

تکمیلی برای کشف سایر سرقت‌های احتمالی ادامه دارد. سرهنگ کارآگاه قاسم دستخال، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی پایتخت با اعلام این خبر، گفت: «همه دستگیرشدگان با دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران در اختیار این پایگاه قرار دارند.»

<b>هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</b> <p><b>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</b></p> <p>برابر رای شماره ۹۹۷۰۰۹۲۷-۰۰۰۴۰۳۱۸-۱۳۹۶۶-۰۸ = ۹۹/۰۲/۰۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی رودبار، تصرفات پیمان تقاضا فرزند محمدعلی در:</p> <p>۱- شش دانگ یک باب خانه و محوطه به مساحت ۵۱۴/۵۰ مترمربع به شماره پلاک فرعی ۶۹۱ مجزی از ۴۰۵ واقع در اسطخ جان سنگ اصلی ۴۶ بخش ۱۸ گیلان.</p> <p>به آدرس واقع در رودبار = رحمت آباد = اسطخ جان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p>
<b>۱۱۳ ر م الف ث</b> <p><b>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۹/۰۲/۱۰</b></p> <p><b>تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۹/۰۲/۲۵</b></p> <p><b>رییس ثبت اسناد رودبار = سیدمحمد فرزانه</b></p>
<b>آگهی ابلاغ</b> <p>آقای بیژن احمدی گردپوشه فرزند مختار مجهول مکان، همسر شما برابر دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۱۳۲۰۱۰۰۷۶۵ شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان رودبار که به قطعیت رسیده است تقاضای ثبت طلاق نموده است، لذا لازم است ظرف مدت ده روز پس از نشر آگهی در این دفترخانه به آدرس: لوشان خیابان شهید میرزایی سه راهی دین و دانش نبش کوچه شهید یوسفی دفتر طلاق ۲۳ لوشان حاضر شوید در غیر این صورت طبق مقررات اقدام به ثبت خواهد شد و اعتراض بعدی شما مسموع نخواهد بود.</p> <p><b>سردفتر ازدواج ۱۱۶ و طلاق ۲۳ لوشان رضا شمسینی غیاثوند</b></p> <p><b>۱۱۵ ر م الف ث تاریخ انتشار: ۹۹/۳/۱۰</b></p>

کیفری بود، روز بیست‌وچهارم اردیبهشت‌ماه دستگیر شد. بهرام در تحقیقات پلیسی به سرقت از منزل شاکي با همکاری دو نفر از همدستانش به نام‌های علیرضا سی‌وسه‌ساله و فواد سی‌وپنج‌ساله اعتراف کرد و کارآگاهان در گام بعدی از تحقیقات پلیسی، فواد را نیز دستگیر کردند. در ادامه مشخص شد علیرضا با اطلاع از دستگیری همدستانش به یکی از استان‌های جنوبی کشور گریخته‌است. هر دو متهم دستگیر شده در اعتراف‌های خود گفتند که پس از سرقت قسمتی از اموال را به مال‌خوری در خیابان شوش فروخته‌اند؛ بنابراین باقی اموال نیز در بازرسی از مخفیگاه سارقان کشف شد. متهمان گفتند که پس از تقسیم اموال مسروقه با سهم‌شان موتورسیکلت گرانیقیمت خریدند و علیرضایز سهم خود را به حسابی واریز کرده است. کارآگاهان در شاخه دیگری از تحقیقات پلیسی دریافتند که حساب واریزی متعلق به رزی به نام فرزانه همسر علیرضاست.

با اطلاعات به‌دست آمده و با هماهنگی‌های قضائی، فرزانه نیز دستگیر شد و اعتراف کرد که مدتی قبل به‌عنوان نیروی خدماتی به منزل مالباخته مراجعه و اطلاعات لازم را برای سرقت جمع‌آوری کرده است. به دنبال دستگیری فرزانه، علیرضا نیز بیست‌ودوم اردیبهشت دستگیر شد و به تهران انتقال یافت. کارشناسان ارزش ریالی اموال سرقتی را ۵میلیارد ریال برآورد کردند و تحقیقات

## پایان کری‌خوانی با سرقت

از تحقیقات پلیسی، با هماهنگی‌های قضائی، مالک خودروی پژو ۴۰۵ به پایگاه چهارم پلیس آگاهی احضار شد و مشخص شد خودرو در روز سرقت در اختیار فرزندش به نام کیوان بود و هم‌اکنون وی با دوستانش متواری شده و در یک خانه مجردی زندگی می‌کند.

او با بیان اینکه با شناسایی مخفیگاه کیوان کارآگاهان موفق به دستگیری وی شدند، گفت: کیوان پس از انتقال به پلیس آگاهی، به جرمش اعتراف و بیان کرد: قبل از سرقت ابتدا با شاکي در اتوبان مسابقه گذاشتیم و مردی که در قسمت عقب خودرو نشسته بود، شیشه خودرو را پایین کشید و یک بطری که داخل آن آب و اشغال سیگار بود، به سمت ما پرتاب کرد. پس از کمی تعقیب در خیابان هنگام، سه نفر از دوستانم به نام‌های وحید، رضا و سینا از خودرو پیاده و با شاکي درگیر شدند.

این مقام انتظامی گفت: به دستور قضائی هر سه متهم دیگر نیز در دهم اردیبهشت دستگیر شدند و اعلام کردند قصدشان سرقت نبوده، بلکه برای کری‌خوانی این کار را انجام داده‌اند و موضوع درگیری را بیان کردند. سینا بیان کرد گوشی شاکي در اختیار او است.

رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی در پایان گفت: با توجه به تکمیل پرونده و اظهارات صریح متهمان، هر چهار متهم برای سیر مراحل قانونی و صدور قرار قانونی، در اختیار دادسرا قرار گرفته‌اند.